

سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۹ • ۲۱ جمادی‌الاولی ۱۴۴۲ • ۵ ژانویه ۲۰۲۱

اخبار

در گرامیداشت سالگرد شهادت سردار سلیمانی؛

مستند «ساعت آخر» روی آنتن هیسپان تی وی رود

شبکه هیسپان تی وی در ایام سالگرد شهادت شهید شهید حاج قاسم سلیمانی، فردا ۱۶ دی ماه مستند «ساعت آخر» را پخش می کند.

به گزارش امتیاز، این مستند به نحوه شهادت حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در بغداد می پردازد و مخاطبان اسپانیایی زبان را با ابعاد این جنایت آمریکایی ها آشنا می کند.

«ساعت آخر» که به همت دفتر نمایندگی صاواسیما در عراق تولید شده، به بررسی حوادث قبل و بعد از عملیات تروریستی و

ظهارنظر شخصیت ها و مستولان عراقی می پردازد. این مستند نگاهی خواهد داشت به جایگاه شهید سردار سلیمانی در مبارزه با گروه های تروریستی و نقشی که این شهید در برقراری ثبات و امنیت در منطقه ایفا کرد.

مستند «ساعت آخر» امروز ۱۶ دی ماه ساعت ۳:۰۰ بامداد از شبکه هیسپان تی وی پخش می شود. بازپخش این مستند همان روز ساعت ۸، ۱۴ و ۲۰:۳۰ برای اسپانیایی زبان ها در سراسر جهان قابل مشاهده خواهد بود.

«آزاده» دشمن محیط زیست ایران را بشناسید

«سلطان مسعود میرزا» ۱۵ دی ۱۲۲۸ شمسی در تبریز زاده شد و تا روزی که در سال ۱۲۹۷ در اصفهان بمبرد، کارهای عجیب و غریب زیادی انجام داد که خود شاهان قاجار هم تعجب می کردند و بارها از مناصب مختلف عزلش کردند. این مسعودخان پسر بزرگ ناصرالدین قاجار بود و لقب «ظل‌السلطان» داشت، ولی چون مادرش از ایل قاجار نبود، طبق قانون آن روزهای قاجاریان نمی‌توانست شاه بشود.

خودش البته این را قبول نداشت و همین‌طور که همرا مظفرالدین قاجار، ولیعهد سالخورده، پیر و بی‌برتر می‌شد، منتظر هم بود که بالاخره فرجی بشود و شاه بشود. حتی به ناصرالدین قاجار هم پیشنهاد داده بود که اگر او را ولیعهد کند، پول هنگفتی به وی می‌دهد. یعنی می‌خواست به شاه که پدر خودش بود، رشوه بدهد! چنین آدمی بود ظل‌السلطان.

بعد هم که ناصرخان مُرد و مظفرخان، شاه شد دیگر زد زیر کاسه و کوزه و چه کارها نکرد؛ در این حد که در زمان محمدعلی شاه قاجار که مخالف مشروطه بود، نامی به مشروطه‌طلبان هم‌کاری سیاسی و نظامی هم می‌کرد، بلکه خودش بتواند شاه شود. فقط همین نبود، کارهایی کرد که خیانت‌آمیز بود؛ در خاندان هزارقامل قجر یک آقا‌زاده آبروئبر و رشو‌شاه معیار بود؟

«ظل‌السلطان» از کجا آن‌قدر پول آورده بود که بتواند به شاه هم پیشنهاد رشوه بدهد؟ داستان دارد! ۱۳ ساله بود که شد حاکم مازندران و سمنان و آن طرف‌ها. بزرگ‌تر که شد حاکم فارس شد و آن‌قدر ظلم کرد و به‌وزر مالیات گرفت و املاک مردم را مصادره کرد که از دستش شکایت کردند و بلوا شد و به‌ناچار عزلش کردند و فرستادند حاکم اصفهان بشود. آن‌جا هم روی‌پاش همین بود و بیش از ۳۰ سال حاکم بود و آن‌قدر مال جمع کرده بود که خودش می‌گفت برای ۱۰ نسل بعدی‌اش کافی است.

حالا چرا عزلش نمی‌کردند؟ چون خیلی پول داشت و در میان شاهزادگان قاجار قدرت سیاسی هم داشت و برای خودش در اصفهان لشکری با بیش از ۲۰ هزار تفنگچی درست کرده بود و اصلا حرف شاه را هم قبول نداشت. یعنی در واقع شاهان قاجار نمی‌توانستند او را عزل کنند یا لاقل نمی‌خواستند با این آقا‌زاده دردسر‌ساز درگیر شوند. حتی ناصرالدین قاجار فقط تنها کاری که توانست با او انجام دهد ین بود که چون حاکم ولایات دیگری از جمله کردستان و لرستان و یزد هم شده بود وی را از همه این مناصب عزل کرد تا فقط همان حاکم اصفهان باشد و تمام. آخرسر وقتی برای تاج‌گذاری محمدعلی شاه به تهران آمد، مردم اصفهان اعتصاب کردند و تحصن کردند و بلوا ین بود که چون حاکم ولایات دیگری از جمله کردستان و لرستان و یزد هم شده بود وی را از همه این مناصب عزل کرد تا فقط همان حاکم اصفهان باشد و تمام. آخرسر وقتی برای تاج‌گذاری محمدعلی شاه به تهران آمد، مردم اصفهان اعتصاب کردند و تحصن کردند و بلوا شد تا بالاخره اصفهان از دست وی نجات یافت. لی کرد و آثار باستانی را تخریب کرد!

ظل‌السلطان در اصفهان چه کرد؟ چشم تاریخ روز بد نبیند! بخش بزرگی از آثار باقی‌مانده از دوره صفویه را تخریب کرد! کسی هم نفهمید چرا. ولی می‌گویند چون لچ کرده بود که چرا من شاه نشدم، حداقل ۵۰ عمارت و باغ بارزش در‌دوران صفویه در اصفهان را نابود کرد؛ از باغ و قصر سعادت آباد تا عمارت هفت‌دست، قصر نمک‌دان، آیینه خانه، بهشت برین، بهشت آیین، انگورستان، بادامستان، نارنجستان، کلاه‌فرنگی، باغ تخت، باغ آلبالو، باغ طلوس، باغ نقش جهان، باغ فتح‌آباد، گل‌دسته، تالار اشرف، عمارت خورشید، عمارت خسروخانی، باغ زرشک، باغ چرخ‌باغ، باغ محمود، باغ صفی‌میرزا، باغ قوشخانه، باغ نظر، عمارت و سردر باغ هزارچریب و عمارت جهان‌نما. فقط برای درک میزان خرابکاری و خلافکاری این آقا‌زاده ناصرخان قاجار این نکته را داشته باشید که ظل‌السلطان دستور داد روی نقاشی‌های نفیس داخل چهل‌ستون را با گچ بپوشاند و نقاشان روی آن‌ها نقاشی‌های جدید بکشند! دشمن حیات‌وحش!

ظل‌السلطان لاید از روی خودشیفتگی و به‌سبک پدر تاج‌دارش خاطرات هم می‌نوشت. از فضای روزگار همین خاطراتش شده منبع تاریخی بارزیش درباره دوره قاجار و البته چون درباره وقایع شکارهای روزانه‌اش هم نوشته درباره محیط‌زیست و حیات‌وحش آن روزگار نیز اطلاعات جالبی دارد و شده است کتاب «تاریخ سرگذشت مسعودی».

با همین کار ظل‌السلطان است که بسیاری او را دشمن درجه یک محیط زیست ایران می‌دانند.
بله، این هم از این!

عبدالجبار کاکایی، ترانه‌سرا و دبیر علمی هشتمین دوره جشنواره شعر «فجر» درباره وضعیت برگزاری جشنواره شعر «فجر» در سال‌های اخیر اظهار کرد: شورای سیاست‌گذاری این جشنواره باید مشکل از گرایش‌های مختلف ذوقی باشد و این شورا کمیته علمی و دبیر را تعیین کند. به اعتقاد من جشنواره شعر فجر از ابتدا این مشکل را داشته که طیف‌های متفاوت هنری را دخالت نمی‌دهند، اصلا با بعضی از جریان‌های ادبی میانه‌ای ندارند چون می‌گویند که پایه‌گذاران این جریان‌ها یا اعضای‌های کمیته هستند که مثلا برادری‌شان را به شعر جنگ یا شعر انقلاب ثابت نکرده‌اند؛ این جهت‌گیری بد است.

او در ادامه گفت: بعد هم می‌گویند که چون جشنواره شعر «فجر» است و فجر هم به انقلاب مربوط است، پس این جایزه برای انقلاب است. به این ترتیب وضعیت این جایزه را مقداری محدود می‌کنند، در حالی که جشنواره شعر «فجر» می‌تواند جایزه بزرگی باشد و همه طیف‌های ادبی را در بربگیرد. اگر این جشنواره را از این جهت‌گیری‌های سیاسی خالی کنند و صرفا بر اساس استعداد و توانایی ذوقی جشنواره‌ای را برگزار کنند که همه جریان‌های موجود ادبی در آن دخیل باشند و کاری به سوابق و آثار اجتماعی افراد نداشته باشند که مثلا فلان شاعر در فلان سال شعری اعتراضی گفته است یا در فلان جریان که همه شعر گفتند شرکت نکرده و شعر نگفته است. چون مادامی که این نگاه حاکم است متأسفانه این جشنواره جشنواره بزرگی نمی‌شود.

کاکایی سپس با مقایسه جشنواره شعر «فجر» با جشنواره فیلم «فجر» بیان کرد: چرا جشنواره فیلم «فجر» نسبت به شعر قوی‌تر است؟ چون همه طیف‌های سینمایی و همه جریان‌های موجود در سینمای کشور در آن حضور پیدا می‌کنند اما نوبت به شعر که می‌رسد می‌گویند فقط افراد خاصی با جهت‌گیری خاص فکری و با سوابق روشن گذشته می‌توانند در این جشنواره شرکت کنند. در واقع کمیته علمی و شورای مدیریت جشنواره را به افرادی واگذار می‌کنند که نوعی یا به نهادهای انتزاعی منتسب هستند یا مثلا از حوزه هنری می‌آیند. من سال‌ها پیش هم که دبیر این جشنواره بودم این را گفتم که سعی کنید جشنواره شعر «فجر» را بزرگ کنید و آن را در اندازه‌های جهانی مطرح کنید. حیف است که این جشنواره این‌قدر داخلی اندر داخلی باشد.

این مدرس دانشگاه با بیان این‌که چرا مسائل مربوط به انتخاب اعضای هیئت علمی و دبیر علمی جشنواره شعر «فجر» باید پنهانی انجام شود گفت:



چون ادبیات صنف ندارد و بی‌پدر و مادر است، برای آن تصمیم می‌گیرند؟ وقتی حوزه‌ای صنف ندارد (مثل ادبیات) معاون فرهنگی یا کارداران وزارت ارشاد باید طی نامه‌ای از مشاور ادبی‌شان بخواهند تا نماینده‌های طیف‌های ادبی کشور را به آن‌ها معرفی کند، آن وقت براساس لیستی که دریافت می‌کنند، از افراد موجود در آن دعوت‌کنند و بگویند که می‌خواهند جشنواره‌ای علمی برگزار کنند و به شاعرانی که بهترین مجموعه شعرها را خلق کرده‌اند جایزه بدهند. بدین ترتیب هر طیفی نماینده خودش را برای کمیته علمی معرفی کند و کمیته علمی تشکیل شود. به این شکل کمیته‌ای مرکب از همه طیف‌های موجود خواهیم داشت. پس از آن، اعضای این کمیته با هم مباحثه و یکدیگر را قانع‌کنند تا به یک نتیجه نهایی برسند، این‌جوری همه به دنبال این جشنواره هستند، همه نگاه‌ها، چشم‌ها و جریان‌های موجود ادبی که رسانه دارند، آن را رصد می‌کنند تا ببینند چه کسی انتخاب می‌شود و از این جهت جشنواره معروف می‌شود و سر زبان‌ها می‌افتد و به یک جشنواره معتبر علمی تبدیل می‌شود.

او افزود: اما هر سال می‌نشینیم، چهار، پنج نفر از بچه‌های حوزه هنری و نهادهای مشابه را دعوت می‌کنیم و به این شکل، جشنواره شعر «فجر» به یک جشنواره خودی تبدیل می‌شود که به آدم‌های خودی هم جایزه می‌دهد اما در نهایت این جشنواره به جایی نمی‌رسد. البته ارشاد هم در این امر مقصر نیست، مقصر آن نیروهای فشار هستند که از بیرون اجازه نمی‌دهند یک جشنواره بزرگ بین‌المللی در حد «فجر» در حد نام ایران

شاعرانی که با جشنواره شعر «فجر» قهرند

مواجه می‌شوند اما نوبت به شعر که می‌رسد به شدت خصوصی می‌شود. ایراد هم فقط به این دوره از جشنواره وارد نیست، اغلب دوره‌های این جشنواره همین است. تنها در یک دوره که ققدمان ورود طیف‌های متفاوت بود (دوره هشتم) که آن هم با مقاومت و با آن حرف و حدیث‌ها مواجه شد که هر روز یک مطلب علیه جشنواره منتشر می‌کردند. این است که وزارت ارشاد باید با نهادهای فرادستی‌اش گفت‌گو کند و بگوید «حاجه بدهید ادبیات نفس آزادانه رقیابت کنند، این‌قدر دستورات با بالا به ما ندهید، که چه باشد و چه نباشد؛ حاشیه ایجاد نکنید». بعضی‌هایش دست وزارت ارشاد است، به نظر من قوه قضاییه باید جلو این حاشیه‌سازی‌ها را بگیرد. بعد از برگزاری مسابقات ادبی معمولا این مسائل در کشور ما هست که عده‌ای تهمت می‌زنند اما هیچ‌کس پیگیری نمی‌کند.

او با بیان این‌که جشنواره شعر «فجر» مادامی که شورای سیاست‌گذاری و کمیته علمی متونعی ندارد، جشنواره بزرگی نخواهد شد درباره

چگونگی ایجاد ارتباط میان جامعه دانشگاهی با چنین رویدادهایی اظهار کرد: جامعه دانشگاهی هم جزئی از این طیف است و دارای ساختارهای زیبایی‌شناسی خودش است و نگاه مستقلی به ادبیات دارد. او هم حق دارد در این جشنواره نماینده داشته باشد، در واقع تمام طیف‌های موجود باید بیایند. اما جشنواره شعر «فجر» را نه کاملا به جامعه دانشگاهی بسپاریم و نه فقط به جریان‌های پیش‌رو. باید تلفیقی از تمام جریان‌هایی که مخاطب دارند شکل بگیرد. تمام این‌ها هم به کتابفروشی‌ها ختم می‌شود، باید دید کدام کتاب‌ها من می‌گویم وزارت ارشاد هم تقصیری ندارد چون نهادهای بیرونی اجازه نفس کشیدن به شوره‌های ارشاد را نمی‌دهند، آن‌ها حاشیه درست می‌کنند و فشار روانی ایجاد می‌کنند. جریان‌هایی که به قول مثل شعر «فجر» داشته‌ایم. چرا باید کار را به جایی برسانند که خیلی از شاعران ما قهر کنند؟ شاعرانی که جواز جهانی دارند و در سطح جهان شناخته شده‌اند و آثارشان ترجمه می‌شود به این جشنواره نزدیک نمی‌شوند. این اسباب تاسف و باعث خجالت است برای نظام فرهنگی که نتوانسته شاعرانش را جذب کند. یکی باید بیدار شود و به همه بگوید که این اتفاق دارد می‌افتد و این جشنواره روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود و خیلی‌ها با این جشنواره قهرند. البته ظاهرا این هیچ‌کس هم مهم نیست، تا شاید شعر این‌قدر حواشی ندارد که مهم باشد، جز برای بعضی‌ها که سریع موضع می‌گیرند و ستون می‌زنند!

عبدالجبار کاکایی با اشاره به ضرورت حضور همه طیف‌ها در جشنواره شعر «فجر» گفت: باید به این وضعیت رسیدگی شود، الان این جشنواره با بی‌اعتنایی و بی‌کیفیتی برگزار می‌شود. حتی من متوجه نمی‌شوم که جشنواره شعر «فجر» کی آمد و کی رفت! اما جشنواره فیلم «فجر» را ببینید، در برج میلاد برایش فرش قرمز می‌اندازند، خبرنگار می‌آید و بازتاب جهانی دارد، جشنواره تئاتر هم همین‌طور. جشنواره‌های دیگر غالبا با استقبال



«اندیشه در دوره میانه» ترجمه و منتشر شد

رایج در آن دوران همدلی ایدئولوژیک و عقیدتی داشته‌اند و از خاستگاهی عمدتا کاتولیک به توصیف آن سنت و حتی مبارزه‌جویی با سنت‌های بدیل آن در دوران مدرن برخاسته‌اند. ما در ایران با برگردان آثار اتین ژلیسون، فردریک کاپلستون و مکی‌انتایر با این رویکرد توصیفی عقیدتی آشنا هستیم. گروه دوم پژوهشگرانی هستند که از منطری دانشگاهی و غیرعقیدتی و با اهداف آموزشی کتاب‌ها و مقالاتی دربارهٔ سنت فلسفی دوران میانه منتشر کرده و می‌کنند. با این حال شاید بتوان به صورتی نه‌چندان دقیق گروه دیگری را ممتاز ساخت. فیلسوفان و نویسندگان نامداری در سدهٔ بیستم نه از سر همدلی عقیدتی با کلیت اندیشهٔ آن دوره و نه برای انجام دادن اهداف آموزشی صرف یا تحقق اهداف آکادمیک، به سنت فیلسوفان مسیحی توجه کرده‌اند. مارتین هایدگر و هانا آرنت و کارل لویت و بلومبرگر و اشتراوس نمونه‌های مهمی از این اندیشه‌ورزان هستند که آشنایی با رویکرد آن‌ها می‌تواند به ما یاد دهد که چگونه می‌توان هم از دوگانهٔ «سنتیز و ستایش» بیرون آمد و مناسبات عقیدتی را به نفع فهم فلسفی تعلیق کرد و هم از سطح مواجههٔ «سرد و بی‌طرف آکادمیک» فراتر رفت و بین زندگی و فلسفه نسبتی برقرار کرد.

مؤلف این اثر هم در مقدمه می‌نویسد: اگر نگاه مرسوم مورخان غربی را بپذیریم، سده‌های میانه از هنگام گرویدن امپراتور روم، کنستانتین، به مسیحیت در سال ۳۱۲ تا دههٔ بیست و سی سدهٔ شانزدهم را دربر می‌گیرد، یعنی هنگامی که مارتین لوتر، ژان کالون، و شاه هنری هشتم از روم پایی جدا شدند و این دوره‌ای بیش از یک هزاره است. تداوم‌هایی آدر اندیشه‌ها و مناسبات اندیشگانی‌ا وجود دارد که این مرزهای تقویمی را وامی‌زنند و آن‌ها را ساختگی و حتی بازدارنده می‌سازند.

اندیشهٔ دورهٔ میانه چیست؟ فلسفه در سده‌های میانه به‌طور گسترده‌ای دارای جهت‌گیری الهیاتی و دینی دانسته شده است. معمولأ کلیسا فیلسوفان سده‌های میانه را به کار می‌گرفت و آن‌ها در چهارچوبی کلیسایی می‌نوشتند و می‌آموزاندند. کار آن‌ها بیشتر بهره‌گیری از خرد برای فهم ایمان بود. خرد جایی میان ایمان و تماشا ایستاده بود، ولی اهر موقعیتی که داشت، باز هم خرد بود و به شیوه‌های گوناگون به کار گرفته می‌شد. اندیشهٔ دورهٔ میانه، برای نمونه، تا اندازهٔ زیادی عبارت از اقدام به خواندن متن‌هایی بود که هم پیش و هم پس از پایان جهان باستانی در بیرون از قلمرو مسیحی نوشته شده بودند. این کار در قلمرو مسیحی

دورهٔ میانه بیشتر به این منظور صورت می‌گرفت که تجربهٔ مسیحی را برپار کند. [بنا به روایت آن‌ها] خرد آدمی به علت هبوط آدم ناتوان شده بود، و فیلسوف دورهٔ میانه آدر این شرایط باید[حالات گوناگون خرد و شناخت را در نظر می‌گرفت؛ شناختی که همهٔ اینان از آن برخوردار بودند، خدا، فرشتگان، انسان‌هایی که چشم در چشم خداوند معظوظ از تماشای سعادت‌مندانه‌اند، و همچنین انسان هبوط‌یافته. به‌ویژه، با اینکه ملاحظات الهیاتی یا دینی، مانند ملاحظات مربوط به گناه و رستگاری و آگاهی پیشین الهی، به گونهٔ چشمگیری شیوه‌های بررسی موضوعاتی چون اخلاق و نفس‌شناسی را تحت تأثیر قرار دادند، ولی موجب نشدند که به‌کارگیری فنون پژوهش از میان روند، فنونی که فرآوردهٔ برای نمونه منطق و مطالعهٔ زبان بودند. اندیشه‌ورز آدر آن دوره‌ا نجیره‌ای از پرسش‌هایی را پیش‌رو خود می‌دید که دربرگیرندهٔ پرسش‌های الهیاتی برای برآیند نمونه درباره تلیث، تجسد، توانایی مطلق خدا، توانست‌های آینده، مشیت، لطف، ناکرآمدندی و مانند آن بودند، ولی همهٔ این پرسش‌ها از زیبایی فلسفی می‌طلبیدند و هستند کسانی که بگویند بهترین ارزیابی‌ها در سدهٔ چهاردهم در پرتو کار جان دانس اسکاتوس و ویلیام کامی صورت گرفته است.

جلد دوم از مجموعه تاریخ فلسفه غرب آکسفورد با عنوان اندیشه در دوره میانه تألیف دیوید لاسکم با ترجمه میثم سفیدخوش به همت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به بهای ۳۰ هزار تومان منتشر شد.

شماره ۳۱۲۲

اخبار

میرزا کوچک خان میزبان مخاطبان پرس تی وی

برنامه این هفته «ایران» در شبکه پرس تی وی به بازدید از خانه و آرامگاه میرزا کوچک خان جنگلی در رشت و قلعه پادین در مهریز یزد اختصاص دارد.

به گزارش امتیاز، در بخش اول این برنامه که با گزارشگری هدی لژگی تولید شده است، ضمن معرفی میرزا کوچک خان مبارز ملی گرا و رهبر جنبش جنگل از آرامگاه و خانه این قهرمان ملی بازدید می‌شود.

بخش دوم این برنامه نیز به کارگردانی پروین ابراهیمی به معرفی قلعه پادین و سنگ نگاره های ارنان در مهریز یزد می پردازد.

برنامه «ایران» ساعت ۱۴:۲۰، چهارشنبه ساعت ۱۹:۰۰، پنجشنبه ساعت ۱۰:۲۰، جمعه ساعت ۰۷:۰۰، شنبه ساعت ۱۲:۲۰ و یکشنبه ساعت ۱۱:۰۰ روی آنتن می رود.

به زبان آذری:
شبکه سحر «هوش سیاه» را پخش می کند
با اتمام فصل اول مجموعه تلویزیونی «هوش سیاه» فصل دوم این سریال در برنامه پخش کانال آذری شبکه سحر قرار گرفته است.
به گزارش امتیاز، کارگردان این مجموعه همانند سری قبل مسعود آب پرور است.

داستان این فصل از سریال از جایی شروع می شود که «جمشید کاطمی» لقب به هوش سیاه پس از دستگیری و زندانی شدن به پابان سری اول، تصمیم به فرار از زندان می گیرد. او که یک نابغه رایانه و متخصص در انجام جرائم اینترنتی است، از توانایی خود در امور غیرقانونی و خلاف بهره می گیرد، با گریز هوش سیاه از زندان «سرگرد احمدی» برای دستگیری مجدد او وارد عمل می شود و …

حسین یازی، کیکاووس یاکیده، کیهان ملکی، مجید واشقانی، ارسلان قاسمی، حمید ابراهیمی، جمشید گرگین، امیرضا داوودی، حسین سحرخیز، پیام دهرکردی، سوده‌ای بیضایی، کمند امیرسلیمانی، اتابک نادری، کاظم هژیرآزاد و … در «هوش سیاه۲» با نویسندگی آرش قادری و تهیه کنندگی سیدمرتضی فاطمی نقش آفرینی کرده اند.

مجموعه تلویزیونی «هوش سیاه۲» در ۲۶ قسمت هر شب از ساعت ۱۹:۰۰ به وقت تهران بر روی آنتن کانال آذری شبکه سحر است. یوسف نوعی زبانگردانی و مدیریت دوبلاژ این سریال به زبان آذری را برعهده داشته است.

تماشای «ایران» از شبکه الکوثر

مجموعه مستند «ایران» با کارگردانی حمید مجتهدی از شبکه الکوثر پخش می‌شود. به گزارش امتیاز، فصل اول این مستند

در ۲۵ قسمت اختصاص به معرفی جاذبه های گردشگری و طبیعی کشورمان دارد. استفاده از امکان تصویربرداری هوایی، تصاویر بدیع و زیبایی از طبیعت و جاذبه های توریستی و سیاحتی کشورمان را به مخاطبان و بینندگان شبکه الکوثر ارزانی خواهد داشت.

علاوه بر جاذبه های گردشگری، آثار تاریخی، ملی و مذهبی کشورمان در قالب این مستند معرفی خواهد شد.

مجموعه مستند «هنای ایران» با استفاده از دوربین full HD تصویربرداری شده و در جشنواره های مختلف داخلی و بین المللی شرکت کرده است. فیلم «تخ جمشید» این مجموعه در دومین دوره جشنواره بین المللی میراث فرهنگی در بخش تولیدات تلویزیونی برنده تندیس این جشنواره شد.

مستند «ایران» به غیر از یکشنبه ها، سه شنبه ها و پنج شنبه ها، هرشب از ساعت ۲۰:۳۰ به وقت تهران در مدت زمان ۳۰ دقیقه بر روی آنتن شبکه الکوثر است.

این مجموعه مستند محصول شبکه مستند و با زبانگردانی و مدیریت دوبلاژ رضا منصور جاسم عزیزی از شبکه الکوثر بر روی آنتن است.

آیین رونمایی از مجموعه کتاب‌های شخصیت‌های اثرگذار محور مقاومت برگزار می‌شود

آیین رونمایی از مجموعه کتاب‌های شخصیت‌های اثرگذار محور مقاومت به قلم دکتر «مجید صفاتاج» با عنوان «سیر دلبران» فردا در فرهنگسرای انقلاب اسلامی برگزار می‌شود.

به گزارش امتیاز، همزمان با اولین سالروز شهادت سرداران رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی، ابو مهدی المهندس و هم‌زمانش، آیین رونمایی از مجموعه کتاب‌های شخصیت‌های اثر گذار محور مقاومت سه شنبه ۱۶ دی ماه ساعت ۱۴ در فرهنگسرای انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. مجموعه «سیر دلبران» به قلم دکتر «مجید صفاتاج» شامل هشت کتاب است و هر کتاب بیستم حکایتی است؛ حکایت اول: محبوب، حکایت دوم: امام لبنانی‌ها، حکایت سوم: چمران، حکایت چهارم: سیدعباس، حکایت پنجم: شیخ رابع، حکایت ششم: حاج رض وان؛ حکایت هفتم: حاج قاسم و حکایت هشتم: سید هادی. مراسم رونمایی از مجموعه «سیر دلبران» با حضور «حجت‌الاسلام میثم امرودی» رییس سازمان فرهنگی هنری شهرداری، «امیر عبدالهپان» دستیار ویژه رئیس مجلس در امور بین‌الملل، «عباس خالص‌پار» رایزن فرهنگی ایران در لبنان، «حجت الاسلام» والمسلمین محمد احمد اختری» رییس کمیته حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین و «شیخ نزار کامل سعید» از مدیران ارشد فرهنگی حزب الله لبنان برگزار می‌شود.این برنامه با مشارکت جمعیت دفاع از ملت فلسطین، فرهنگسرای انقلاب اسلامی و پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ و هنر برگزار می‌شود. علاقمندان به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی می‌توانند به صورت مجازی این آیین رونمایی را به صورت زنده از طریق صفحه ایارات به آدرس /aparat.com/ sdpn یا صفحه اینستاگرام ghebleye_aval یا fenghelab مشاهده کنند.